

The Challenges of the Rice Export from the Northern Regions of Iran to Russia during the Years 1300-1304

Imam Ali Shabani^{*}, Mohammad Hassan Pourghanbar^{}**

Abstract

Rice was one of the main export items of Iran to Russia during the Qajar period. This important issue can be mentioned from the point of view of financial value, volume and on the other hand, significant contribution to Iran's trade balance with Russia. In the meantime, the export of this product was done mainly from Mazandaran and Gilan, as important and long-standing centers of production, faced with serious challenges in the years 1300 to 1304. Therefore, this article tries to answer the question, what obstacles and problems did Iran's rice export to Russia face in the last years of the Qajar period? The authors of this article have found out that, with the descriptive-analytical method and relying on rare and new archival documents, the Prohibition of rice export by the central government at different times, the occurrence of famine in Russia and the need of Russians for more food, the existence of the problem of smuggling and illegal transportation of rice, Transportation problems due to the lack of modern equipment and proper communication infrastructure, Product shortage and sharp price increase in the domestic market, the monopolistic approach and command economy of the Soviet government and finally, the conflict between the interests of traders and brokers in the

* Associated Professor of history, Mazandaran University, Babolsar, Iran (corresponding author),
e.shabani@umz.ac.ir

** PhD in History, Shahid beheshti university, Tehran, Iran, mpourghanbar8@gmail.com

Date received: 2022/09/13, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۷۲ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

rice market with the interests of the masses of people in northern Iran appeared as the most important challenges of rice export to Russia in the considered time period.

Keywords: Rice export, Mazandaran, Gilan, Russia, 1300-1304AH.

چالش‌های صادرات برنج مناطق شمالی ایران به روسیه طی سالهای ۱۳۰۰-۱۳۰۴ش^۱

امامعلی شعبانی*

محمدحسن پورقنبر**

چکیده

برنج یکی از اقلام اساسی صادرات ایران به روسیه در عصر قاجار بوده است. این موضوع مهم از منظر ارزش مالی، حجم و از سوی دیگر، کمک قابل ملاحظه به موازنه تجاری ایران با روسیه، قابل ذکر می‌باشد. در این میان، صادرات این محصول که عمدتاً از مازندران و گیلان، به عنوان کانون‌های مهم و پُرسابقه تولید، صورت می‌پذیرفت، در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش، با چالش‌های جدی مواجه گردید. لذا این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که صادرات برنج ایران به روسیه در سالهای پایانی دوره قاجاریه، با چه مسائلی و چالش‌هایی روبه‌رو گردید؟ نویسندگان این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد آرشیوی کمیاب و نویافته، در پاسخ به سؤال مزبور، دریافته‌اند که، منع صادرات برنج از سوی دولت مرکزی ایران در مقاطع زمانی مختلف و متفاوت، وقوع قحطی در روسیه و در نتیجه نیاز به مواد غذایی بیشتر، وجود معضل قاچاق و حمل و نقل غیرقانونی برنج، مشکلات حمل و نقل مانند فقدان تجهیزات مدرن و زیرساخت‌های ارتباطی مناسب، کمبود محصول و افزایش شدید قیمت در

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)، e.shabani@umz.ac.ir

** دانش آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، mpourghanbar8@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



بازار داخلی، مشی انحصارطلبانه و اقتصاد دستوری حکومت شوروی، و در نهایت هم، تضاد منافع تجار و دلالتان بازار برنج با مصالح توده مردم ایران، به عنوان مهمترین چالش‌های صادرات برنج به روسیه در مقطع مورد نظر ظاهر گردید.

کلیدواژه‌ها: صادرات برنج، مازندران، گیلان، روسیه، ۱۳۰۰-۱۳۰۴ش

۱. مقدمه

برنج از گذشته‌های دور، از جمله محصولات کشاورزی مهم مناطق شمالی ایران بویژه مازندران و گیلان بود که ارزش صادراتی داشت، این محصول در کنار چای، توتون و ابریشم، از مهمترین فرآورده‌های این مناطق بوده است. مشتری اصلی این اقلام ایرانی هم روسیه محسوب می شد چنانکه صادرات و درآمد ایران از فروش برنج، به شدت به بازار روسیه وابسته بود. اسناد و منابع تاریخی از سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ شمسی بر این واقعیت صحنه می گذارد که صادرات محصولات غذایی و در راس آن نیز برنج، به عنوان یک دغدغه اصلی در هر دو سوی دریای خزر مطرح بوده است. حجم مکاتبات بین دو دولت ایران و روسیه در این سالها و پیرامون موضوع مورد نظر قابل توجه می نماید. در همین راستا می بایست اعتراف کرد دل-مشغولی‌ها و نگرانی‌های طرف روسی و در قیاس با ایرانیها دو چندان بوده است. ضمن آن که نگرانیهای اتباع ایرانی مقیم قفقاز که خود جمعیت قابل توجهی را تشکیل می دادند، نیز در این امر بی تاثیر نبوده است، زیرا صادرات مواد غذایی و در راس آن برنج در مقطع مورد اشاره با چالشهایی رو به رو گردید که قبل از آن، کمتر سابقه داشته است.

پژوهش با طرح این پرسش اساسی که صادرات برنج ایران به روسیه در سالهای پایانی دوره قاجاریه، با چه مسائل و چالش‌هایی رو به رو گردید؟ به روش توصیفی-تحلیلی و با رجوع اسناد و منابع تاریخی، بر کالبدشکافی موضوع، تمرکز داشته است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

در خصوص ادبیات یا پیشینه پژوهش بایستی عنوان نمود، اگرچه پژوهش‌های تاریخی با محوریت مناسبات تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار مانند مقاله «بررسی فعالیت تجارخانه های روسیه در مشهد» از قصابی و وکیلی، مقاله «نقش شرکت های تجاری ایران و روسیه در اقتصاد قاجار» اثر رحمان حسنی، و مقاله «عملکرد و پیامدهای فعالیت کمپانی های ونشتورگ و

سنترسایوز شوروی در مناطق شمال ایران» از شجاعی دیوکلائی و پورقنبر تاکنون به رشته تحریر درآمده است، و یا مقالاتی تاریخی با محوریت برنج در مسائل اقتصادی مانند «جایگاه تجارت برنج شمال ایران در مناسبات تجاری با روسیه از مشروطه تا پایان جنگ اول جهانی» اثر عادلفر و جوانمردی، و نقش برنج در موضوعات اجتماعی و سیاسی همانند کتاب «گرانی و کمبود برنج در وقایع شهریور ۱۳۲۰ش» از گلشنی و نورزاد به نگارش درآمده است، اما هیچ کدام از این پژوهش‌های تاریخی، نه تنها بر روی موضوع چالش‌های صادرات برنج به روسیه متمرکز نشده، بلکه حتی کالای زراعی برنج در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش را نیز مورد توجه قرار نداده‌اند، بنابراین، موضوع مورد نظر مقاله پیش‌رو، هیچ همپوشانی با مطالب پژوهش‌های مذکور نداشته، بلکه حتی از آنجا که مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و نویافته می باشد، در نوع خود، بدیع بشمار می‌آید و می‌تواند در راستای هویدا نمودن صفحه مبهم و بخش ناشناخته‌ای از تاریخ اقتصادی و حتی اجتماعی مناطق شمالی ایران اثرگذار تلقی گردد.

شایان ذکر است، تمرکز بحث برنج در این مقاله، حوزه جغرافیایی مازندران و گیلان خواهد بود که علاوه بر تامین برنج مورد نیاز داخلی، سهم قابل توجهی از صادرات برنج را به طور اعم و بازار هدف روسیه را به طور اخص در مقطع مورد اشاره به خود اختصاص می‌دادند.

۲. صادرات برنج به روسیه؛ اهمیت و جایگاه

در مورد جایگاه و ارزش اقتصادی برنج در حجم تجارت خارجی ایران طی سال‌های مورد بحث، با توجه به محدودیت منابع تاریخی و فقدان آمار، اطلاعات دقیق و مبسوط در دسترس نمی‌باشد، با اینحال، مطابق آماری که در باب صادرات محصولات کشاورزی طی سال‌های نزدیک به دوره زمانی مورد نظر موجود می‌باشد، می‌توان تصویری نسبتاً مشخص در این زمینه ترسیم نمود. مطابق یکی از داده‌های آماری، مجموع ارزش پولی صادرات برنج ایران در سال ۱۲۹۰ش، فراتر از ۲۹ میلیون و ۲۱۰ هزار قران بود که قریب به ۲۹ میلیون و ۱۰۳ هزار قران (جمال زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۴) یعنی معادل بیش از ۹۹ درصد از برنج به روسیه صادر می‌شد. اطلاعات آماری دیگر مربوط به نسبت ارزش ریالی صادرات برنج به مجموع کالاهای زراعی صادراتی طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ش، حکایت از این دارد که طی سه سال مزبور، به ترتیب، حدود ۱۴، ۱۶ و ۱۷ درصد از کل صادرات محصولات زراعی ایران، متعلق به صادرات برنج بوده است، چنان‌که برای نمونه، در سال ۱۳۰۸ش، از مجموع بیش از ۲۰۰ میلیون ریال ارزش

صادرات محصولات کشاورزی، قریب به ۳۳ میلیون ریال (معادل ۱۶ درصد) مربوط به برنج بوده است (اطاق تجارت، ۱۳۱۲، ش ۵۲، صص ۱۸-۲۶).

۱.۲ ایران

صادرات برنج به روسیه، به عنوان همسایه شمالی، همواره به طور سنتی برای ایران حائز اهمیت بوده است. نخست آن‌که، مرکز تولید این محصول کشاورزی در مناطق شمالی ایران، نزدیک مرزهای روسیه قرار داشت که خود، به عنوان کانون جمعیت و بالطبع مصرف، شهرت داشته است. در همین راستا قاعدتا مازاد مصرف داخلی می‌بایست صادر می‌گردید و در این میان، روسیه می‌توانست بازار خوبی برای این کالای زراعی باشد. از سوی دیگر، ناپیستی نادیده گرفت که روسیه به عنوان یک کشور نسبتاً صنعتی در سده‌های نوزده و بویژه بیستم میلادی شناخته می‌شد، لذا جامعه ایرانی و به ویژه مناطق شمالی که دچار عقب‌ماندگی فاحش در حوزه صنعتی بودند، می‌توانستند بخش قابل توجهی از نیازمندی‌های خود را از این طریق، تامین نمایند، ضمن آن‌که تا سده بیستم میلادی همواره روسیه، به عنوان مدخل و یکی از شاهراه‌های مهم تعاملات تجاری ایران با اروپا، ایفای نقش می‌نمود. (ر.ک. به: عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۳۷۳؛ جمالزاده، ۱۳۸۴، ص ۲۱؛ سیف، ۱۳۷۳، ص ۵۳).^۲

یکی دیگر از نکات مهمی که در رابطه با صادرات برنج ایران به روسیه، باید به آن توجه داشت، واردات نفت از روسیه، به ویژه برای صفحات شمالی ایران می‌باشد که از نهایت اهمیت برخوردار بوده است، زیرا یکی از محصولاتی که می‌توانست قابلیت نقدینگی و یا لاقبل پایاپایی را در مراودات تجاری با روسها داشته باشد، برنج بوده است. اهمیت و جایگاه تامین انرژی برای ایران مقطع زمانی موردنظر، حتی به گونه‌ای بوده است که علیرغم منع صادرات برنج، گاهی صرفاً برای واردات نفت، استثنائاتی از سوی دولت مرکزی و شخص رئیس الوزرا وقت (به طور مثال احمد قوام) در صدور تهاتری و پایاپای برنج با نفت صادر می‌گردید (ر.ک. به: مُتْمَا، شماره راهنما ۲۴۷۲۷-۰-۰؛ استادوخ، ۱۳۰۱: ۳۵، پ ۳۱، ص ۲۰). نمونه‌های دیگری از مکاتبات وزارت داخله و وزارت فلاح و تجارت با رئیس دولت در خصوص درخواست برخی تجار جهت صدور اجازه حمل برنج به بادکوبه در قبال خرید نفت و متعاقباً موافقت ریاست وزراء بر این اهمیت صحه می‌گذارد (ر.ک. به: مُتْمَا، شماره راهنما ۱۱-۱۲۸۶-۱۲م).

به نظر می‌رسد هزینه‌های تجارت با روسیه به مراتب کمتر از صادرات این محصول به نواحی داخلی ایران و حتی پایتخت پرجمعیتی چون طهران عصر قاجاریه بوده است که این خود، از مزیت مسیر تجارت دریایی در عرصه اقتصادی حکایت دارد (ر.ک. به: مُتَمَّا، شماره راهنما ۴۳-۱۲۷-۱۴م).

شایان ذکر است، علاوه بر نفت، نیازمندی ایران به کالاهای دیگر روسیه نیز از نقش مهم برنج در تامین این کالاها تلویحا خبر می‌دهد. در همین راستا مجله صنعتی و تجارتی چاپ برلن در یکی از مقالات خود که به مناسبات تجاری بین ایران-روسیه و مربوط به سال ۱۳۰۲ش پرداخته است، به نقل از رئیس نمایشگاه بادکوبه می‌آورد که «ایران به قند روسیه تا دو میلیون پوپ^۳ و منسوجات تا ۴ هزار عدل و آهن و بلور محتاج می‌باشد» (استادوخ، سال ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۵۲، ص ۷۲؛ ر.ک. ترابی فارسانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶). این رابطه میان کالاهای وارداتی ایران از روسیه با صادرات برنج به آن کشور، به اندازه‌ای بود که حتی برخی بر این باور بودند، گرانی نفت و قند در بازارهای ایران طی آن مقطع زمانی، ارتباط مستقیم و در عین حال جدی با موضوع برنج دارد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۲۳۳، ۸ آذرماه ۱۳۰۴).

۲.۲ روسیه

اسناد و منابع تاریخی بر این نکته مهم صحنه می‌گذارد که صادرات برخی از محصولات و در راس آن برنج به روسیه نه تنها برای جامعه ایرانی، بلکه برای روسیه نیز بسیار حائز اهمیت بوده است. این مساله به خصوص در مواقعی که امپراتوری روسیه با بحرانهای طبیعی، سیاسی-نظامی و بالطبع اقتصادی مواجه می‌گردید، اهمیت دو چندانی می‌یافت. بعد از روی کارآمدن حکومت کمونیستی شوروی، بخاطر نابسامانی‌های داخلی و تیرگی روابط غرب با این کشور، نیاز روسها به محصولات ایرانی، بیشتر هم شد. و در همین راستا بود که، پیمان مودت در اسفندماه ۱۳۰۰ به روابط دو کشور جان تازه ای بخشید (ر.ک. به: طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۶). ضمنا با نگاهی به تحولات و متعاقبا شرایط امپراتوری روسیه در طی این سالها به نظر می‌رسد نیاز مبرم روسها به محصولات ایرانی یک نیاز مبرم بود. ضمن آن که سیطره شان بر گمرکات شمال ایران، کار تجارت را نسبت به هر دوره ای از تاریخ ایران، تسهیل می‌کرده است (ر.ک. به: اتنر، ۱۳۶۹، صص ۹۴-۱۱۲) رونق تجاری ایران - شوروی به آنجا رسید که در سال ۱۳۰۴، ایران بعنوان بزرگترین صادرکننده کالاهای تجاری به روسیه محسوب می‌شد، تا جایی که از

یازده میلیون روبل مبادلات تجاری بین کشورهای آسیایی و شوروی، هفت و نیم میلیون روبل آن به ایران اختصاص داشت (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۸).

در این میان، اسناد و شواهد موجود، از جایگاه حائز اهمیت صادرات برنج به این کشور در سالهای پایانی حکومت قاجار حکایت دارد. به طور مثال مجله صنعتی و تجارتی چاپ برلن مربوط به سال ۱۳۰۲ش به نقل از رئیس نمایشگاه بادکوبه می آورد که «روسیه به پنبه ایران تا ۳۵۰ هزار پوط، خشکبار ۵۰۰ هزار پوط، برنج تا ۸ میلیون پوط، پشم تا ۵۰ هزار پوط، تریاک تا ۵۰۰ پوط محتاج می باشد» (استادوخ، سال ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۵۲، ص ۷۲). بعلاوه، گزارش وزارت خارجه به نخست وزیر ایران مقارن آذر ۱۳۰۰ در خصوص میزان صادرات سالانه برنج در سال ۱۲۹۹ش، دال بر میزان بسیار قابل توجه پنج میلیون و نیم پوط یعنی معادل سیصد هزار خروار خود از حجم قابل توجه نیازمندیهای روسها به برنج ایران گواهی دارد (ر.ک. به: مئتما، شماره راهنما ۲۰-۱۲۸۶-۱۲م). آمار مذکور به نظر می رسد با احتساب میزان قاچاق این محصول، بی تردید عدد بالاتری خواهد بود. علیرغم این که ما در سال قبل از آن یعنی ۱۲۹۸ش با قحطی بزرگی در داخل کشور روبرو بوده ایم، که البته خود این مساله نمی توانسته است در آن بی تاثیر باشد. ضمن این که، در نهایت به این نکته هم باید توجه نمود، جاذبه‌های حقوق گمرکی، برای روسیه، بویژه در خصوص محصول برنج، قابل توجه بوده و سود زیادی را نصیبش می کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۷۳).

۳. چالشهای صادرات برنج ایران به روسیه

صادرات برنج به روسیه در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش برخلاف سنوات گذشته، با مسائلی رو به رو گردید که می توان بعنوان چالش در نظر گرفت. البته قبل از هر چیز بایستی عنوان نمود که چالش پیش رو، حداقل بخشی از آنها، کاملاً بی ارتباط با مسائل کلان تجاری و حتی بعضاً مسائل سیاسی بین ایران و شوروی در آن مقطع زمانی نبود (برای نمونه: ر.ک. ذوقی، ۱۳۶۸: ۳۹۰-۳۹۲؛ تقی زاده، ۱۳۷۲: ۱۸۹، ۱۹۱؛ طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۱). ضمناً قوانین سختگیرانه مبنی بر اقتصاد دولتی و البته در عین حال، مقررات تبعیض آمیز فضای انقلابی شوروی برای بازرگانان ایرانی مقیم قلمرو روسیه، ادامه زندگی و کار را برای آنان دشوار کرده بود. (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۲). در کنار همه اینها البته نمی بایست تحولات سیاسی در ایران و روسیه در همان مقطع زمانی، که منجر به بی ثباتی سیاسی و فضای ناامن برای کسب و کار و تجارت در هر دو کشور می گردید را نادیده انگاشت.

۱.۳ ممنوعیت‌های مقطعی صادرات از سوی دولت ایران

شرایط جامعه ایرانی دوره انتقال، اشغال نظامی ایران توسط انگلیسی‌ها، صدمات اقتصادی-به ویژه در عرصه کشاورزی- حاصل از ناامنی‌های منتج از نهضت جنگل (معروف به انقلابات گیلان که تا بخشهایی از مازندران نیز امتداد می‌یافت) موجب گردید تا ما با منع صادرات برنج در برخی از فصول سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ش رو به رو باشیم. منع صادرات برنج واکنشهای تندی را در درجه نخست از سوی روسها در پی داشت. نیاز مبرم روسیه به برنج ایران، در اعتراض کنسول روسیه در اواخر آذرماه سال ۱۳۰۰ش به خوبی انعکاس یافته است. روسها از دولت مرکزی ایران خواسته‌اند تا منع صادرات برنج^۴، شامل خریدهای قبلی آنان به میزان ۷۵ هزار پوط و نیز سفارشات جدیدشان به میزان ۴۳۵ هزار پوط که بیعانه اش نیز پرداخت شده است، نشود. متعاقب آن وزارت خارجه به گمرک دستور داد تا مطابق خواسته روسها، اجازه خروج داده شود (استادوخ، سال ۱۳۰۰، ک ۶۵، پ ۵، ص ۴۰). اسناد بعدی بر جای مانده از وزارت امور خارجه ایران بر این نکته مهم صحنه می‌گذارد که روسها به شدت به برنج مازندران وابسته بوده‌اند. چون علیرغم پذیرش درخواست قبلیشان، کنسول روسیه در رشت در اوایل دیماه ۱۳۰۰ش برای کسب تکلیف از سفارت روسیه در خصوص ممنوعیت حمل برنج، ابتدا به تهران و سپس عازم مسکو شد. سند مذکور همچنین در یک رویکرد تحلیلی این گونه اعلان خطر می‌نماید که در صورت اصرار ایران بر منع صادرات برنج به روسیه، روسیه نیز حمل کالا به ایران را ممنوع نماید (استادوخ، س ۱۳۰۰، ک ۶۵، پ ۵، ص ۷). این مساله خود از نیاز مبرم ایران و روسیه به کالای یکدیگر و در راستای برنج به عنوان یک منبع حیاتی حکایت دارد.

در صدور و تداوم دستورالعمل منع صادرات برنج حداقل تا سال ۱۳۰۴ش، می‌بایست به مخالفت‌های مردمی بعنوان عامل اساسی، اشاره کرد. اسناد تاریخی از اسفندماه ۱۳۰۴ش حکایت از تحسن مردم فیروزکوه در دارالحکومه و نیز حضور در تلگرافخانه جهت شکایت از مقامات محلی به مقامات عالییه و در اعتراض به صادرات برنج از سوادکوه به سمنان دارد. در حالی که گفته شده است گاری‌ها برای حمل برنج به فیروزکوه آمده و می‌خواستند صرفاً ۲۰ خروار برنج موجود در انبار دولتی را با خود ببرند، اهالی مانع شدند و البته در این زمینه موفق بودند. ظاهراً سرمای سخت آن سال، کار تامین آذوقه و در راس آن برنج را برای مردم این منطقه دشوار کرده بود (متمما، شماره راهنما ۱۴۵-۴۶۲-۳). همچنین بنابر خبر منتشرشده از سوی یکی از مطبوعات در همان مقطع زمانی، صادرات بی‌رویه برنج از گیلان به قفقاز توسط

شرکت‌های تجاری روسی، موجب کمبود این محصول در بازارهای گیلان شد، که این مساله خود، حتی موجب بروز درگیری میان ساکنان رشت و بندرانزلی با ماموران حکومتی گردید (شفق سرخ، ۱۳۰۱، ش ۴، ص ۲)

نامه نخست وزیر وقت به وزیر مالیه مقارن دی ۱۳۰۴ش مبنی بر صادرات برنج به دو شرط مازاد بر حوائج محلی و نیز واردات آرد به همان میزان صادرات برنج، خود از دغدغه‌ها و دشواریهای مردم در تامین آذوقه حکایت دارد (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۷-۱۲۷-۱۴م). البته وزارت مالیه در پاسخ به نامه نخست وزیر در بهمن ماه همان سال، این‌گونه اعلان داشت که وزارت مالیه در حال فروش برنج موجودی در انبار خود [که شامل برنجهای مالیاتی و نیز خریداری شده] به کسانی است که به علت انسداد راهها، تامین آن دشوار گردیده است (مُتَمَّا، شماره راهنما ۳۷۰۳۵-۰-۰ن).^۵

سند برجای مانده از وزارت جنگ مربوط به اواسط تیرماه ۱۳۰۳ش حکایت از عدول رئیس تپ شمال از سیاست منع صادرات برنج دارد. گرچه وزارت جنگ نگرانی خود را از خروج بیش از حد برنج به شوروی اعلان داشت، لیکن رئیس تپ مذکور ضمن اعتراف به افت محصول شوروی، اعلان داشت که تجارتخانه‌های خارجی با جدیت مشغول خریداری برنج بودند. متعاقب آن و برای رفع کمبودهای داخلی، کمیسیونی مرکب از تجار و خبرگان تشکیل شد، برنجهای موجود خریداری گردید و نیز احتیاج عمومی نیز مدنظر قرار گرفت. وی در ادامه نامه متذکر گردید که با توجه به این که تامین آذوقه عمومی تا ابتدای برداشت محصول آینده با مشکلی مواجه نخواهد شد، بنابراین به قسمت مازندران دستور داده است که مطابق ضمانت خود تجار، از حمل برنج ممانعت نمایند (میس، سال ۱۳۰۳، پ ۲۰، ص ۳۱۶). در تحلیل این امر می‌توان به نفوذ احتمالی روسها بر رئیس تپ شمال، صحت سنجش و ارزیابی وی و کمیسیون مذکور در رفع دغدغه‌ها و تامین نیازهای آتی، فشار و یا همسویی منفعت طلبانه با تجار داخلی و خارجی و... نیز اشاره کرد.

شایان ذکر است، بنظر می‌رسد، قانون منع صادرات برنج، در برخی مواقع، نه فقط اعتراض تجار، بلکه کشاورزان و نیز محتملا ارکان دولتی و در راس آن، اداره مالیه و گمرک را که از آن منتفع می‌شدند، هم در پی داشته است. چنانچه وزارت مالیه در نامه ای به ریاست وزرا در فروردین ۱۳۰۴ش از شکایات متعدد اهالی مازندران نسبت به قانون منع صادرات برنج خبر می‌دهد. ضمن آن که گزارش می‌دهد اداره گمرک و اداره مالیه مازندران به علت وفور برنج در

مازندران، موافقت خود را با صادرات مجدد و در عین حال مطلقاً برنج به روسیه اعلان داشته اند (مُتَمَّا، شماره راهنما ۴۴-۱۲۷-۱۴م).

۲.۳ وقوع قحطی در شوروی

وقوع قحطی در شوروی و در نتیجه آن هم، نیاز افزونتر آنها به مواد غذایی و در راس آن برنج را نیز می‌بایست از دیگر چالش‌های صادرات برنج در مقطع مورد اشاره دانست. اگرچه بروز قحطی در شوروی طی برخی مقاطع زمانی، بویژه شش ماه نخست سال ۱۹۲۲م (دی ۱۳۰۰- خرداد ۱۳۰۱ش) می‌توانست بعنوان یک فرصت برای صادرات برنج ایران در نظر گرفته شود، اما با توجه به حجم بسیار زیاد تقاضای برنج در شوروی و در آن سو ظرفیت نه چندان زیاد تولید برنج در ایران، و همچنین روش‌های غیرقانونی مانند انحصار از طرف تجارتخانه‌های شوروی و قاچاق حمل برنج از سوی برخی تجار ایرانی، در مجموع سبب می‌شد تا حساسیت مردم در گیلان و مازندران نسبت به حمل برنج به روسیه افزایش یافته، و فشار به دولتمردان بمنظور محدودیت در صادرات برنج به همسایه شمالی افزون‌تر گردد. روزنامه ایران در خبر اردیبهشت سال ۱۳۰۱ از قحطی شدید در روسیه پرده بر می‌دارد. در این خبر و به نقل از اتباع ایرانی قفقاز و نیز عشق آباد و تاشکند^۷ آمده است که روسیه به ویژه در این مناطق، با قحطی شدید روبرو بوده است. آنان همچنین از دولت مرکزی ایران خواسته‌اند تا با لغو دستور منع صادرات برنج و نیز گندم، به آنان در این موقعیت دشوار، یاری رساند (روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱، شماره ۱۱۳۸، ص ۲).

خبر بعدی روزنامه مذکور و مربوط به اواخر تیرماه همانسال، بر این خبر قحطی، بیش از پیش صحنه می‌گذارد، زیرا گفته شده علیرغم تداوم دستور منع صادرات برنج از مرزهای شمالی ایران به گمرکات، از شهرهای ساحلی دریای خزر، برنج قاچاق می‌شود و شب‌ها کشتی‌هایی که پنهانی در این سواحل پهلو می‌گیرند، برنج را بار زده با خود می‌برند (روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱، شماره ۱۱۷۸، ص ۲). احتمالاً نیاز مبرم مردم قحطی‌زده روسیه از یکسو و نیز سود قابل توجه کالای قاچاق - در کنار خطرات پیش‌رو - انگیزه مناسبی برای این اقدام بوده است. ضمناً گزارشی در دست است که نشان می‌دهد در همین زمان و از سوی کمیسیون اعانه، علاوه بر سی هزار پوط برنج برای قحطی‌زدگان روسی، برای اتباع ایرانی مقیم گنجه و عشق آباد نیز مقرر گردید تا معادل دو هزار پوط برنج، به وسیله تجارتخانه‌های روسی حمل و بین‌شان تقسیم گردد (ایران آزاد، سال ۱۳۰۱ش، شماره ۷۷، ص ۳). بعلاوه، بنا بر گزارش سفارت

انگلیس در ایران در همان برهه زمانی، مقامات دولت نوپای حکومت کمونیست شوروی، به دلیل سرمای سخت زمستان و قحطی شدید ناشی از آن، به تجارت‌خانه‌های روسی فعال در ایران، دستور دادند تا یک میلیون پوط (معادل ۱۸ هزار تُن) برنج از گیلان و مازندران خریداری نمایند و روانه روسیه کند (IRAN POLITICAL DIARIES, 1997: 341).

خشکسالی روسیه و افت برداشت محصولات کشاورزی موجب می‌گردید تا برنج زیادی از بنادر رسمی و غیررسمی دریای خزر به طرف شوروی حمل شود. به گزارش رئیس نظامیان آستارا مقارن اوایل مرداد ۱۳۰۳ آذوقه مردم را بازرگانان می‌خریدند و به شوروی صادر می‌کردند. حتی گفته شده از اردیبهیل نیز برنج خریداری نموده و به روسیه حمل انتقال داده می‌شد. ادامه گزارش البته به این نکته مهم اشاره دارد که این امر موجب افزایش قیمت برنج گردیده است، چنانچه در این سال در هر پوط، هشت قران بر قیمت آن افزوده شد. گزارش مذکور در نهایت، به مضیقه افتادن اهالی بر اثر صادرات و نیز افزایش قیمت‌ها اشاره دارد (مپس، سال ۱۳۰۳، پ ۴، ص ۱۴۷).

به نظر می‌رسد قحطی سال ۱۳۰۳ش روسیه بسیار جدی‌تر از سنوات قبل بوده است، چنان‌که بر اساس تلگراف رمزی که از تفلیس و از سوی نمایندگان سیاسی ایران در روسیه به وزارت امور خارجه در اوایل مرداد ۱۳۰۳ش رسید، حکایت از قحطی شدید روسیه دارد. ضمناً در این تلگراف آمده که برای پیشگیری از وقوع هرگونه قحطی در ایران، دولت می‌بایست پیشاپیش از خرید و حمل آذوقه به روسیه ممانعت بعمل آورد (استادوخ، سال ۱۳۰۳، ک ۱۶، پ ۹۷، ص ۳). در اواسط همین ماه نیز در گزارشی که از سوی کارگزاری ایران در باکو به وزارت خارجه ارسال گردید، از خشکسالی در روسیه شوروری و در نتیجه قحطی خبر دارد، که خود موجب وحشت روسها گردید. ضمناً در ادامه گزارش - و البته در خبری هشدارگونه - آمده است که روسها هفتاد هشتاد هزار پوط برنج از تجار ایرانی مقیم سواحل بحر خزر خریداری کرده مشغول حمل به بادکوبه هستند. آنان همچنین در آذربایجان و خراسان در حال پیش خرید گندم به قیمت ارزان هستند (استادوخ، سال ۱۳۰۳، ک ۱۶، پ ۹۷، ص ۴). تلگرام رمزی از کارگزاری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه در اواسط ماه مذکور در راستای احتمال قحطی در روسیه و ممانعت از خرید غله توسط روسها توسط دولت مرکزی بر گزارش قبلی صحه می‌گذارد (استادوخ، سال ۱۳۰۳، ک ۱۶، پ ۹۷، ص ۱۰).

۳.۳ معضل قاچاق

اسناد و شواهد تاریخی بر قاچاق محصول برنج در مقاطع زمانی که منع صادرات وجود داشته، به انحاء مختلف حکایت دارد، ازین‌رو، قاچاق این محصول حیاتی، حتی در سالهایی که شوروی به شدت با بحران گرسنگی - به ویژه در قفقاز و آسیای مرکزی - روبرو بود، رواج داشته است. ضمن آن که در هر دو سوی دریای خزر دارای مشتریان و در عین حال سودجویان دولتی و غیردولتی بوده است. آن‌طور که مدارک و مستندات حکایت دارد، و در ادامه خواهد آمد، صفحات شرقی مازندران و به ویژه بنادر ترکمن‌نشین یکی از کانونهای اصلی قاچاق برنج به روسیه بود. قاچاقچیان به بهانه تهیه نیازهای مردم این منطقه، از دیگر قسمتهای مازندران، برنج را خریداری و با قیمت بالاتر به روسیه صادر می‌کردند. ظاهراً ناکافی بودن وسائل جلوگیری و محدودیت نهادهای گمرکی در آن منطقه، که خود البته، با تضعیف اقتدار دولت مرکزی در این صفحات و آنهم در اواخر قاجاریه بی‌ارتباط نبود، در این مساله طبیعتاً می‌توانست اثرگذار باشد، که نامه موجود از اداره گمرکات به ریاست وزرا در اوایل اسفند ۱۳۰۱ بر این امر صحنه می‌گذارد. اداره مذکور ضمن اعلان این خبر که یکی از کانونهای اصلی قاچاق برنج منطقه مذکور بوده و معمولاً به بهانه تامین نیازمندیهای مردم این منطقه برنج بیشتری بدانجا منتقل می‌شود، در راه حلی از ریاست وزراء خواسته است حکومت محلی دقیقاً مقدار مورد نیاز خود را برای مصرف داخلی معین کند و آنگاه گمرک اجازه خروج برنج را صادر نماید (مُتماً، شماره راهنما ۱۵ - ۵۳۰ - ۱۲ م).

به نظر می‌رسد سابقه موضوع قاچاق برنج به روسیه از طریق ترکمنها، به سال‌ها قبل از دوره زمانی موردنظر بر می‌گردد، چنانکه تلگرافی از وزارت خارجه به ریاست وزرا در آذرماه ۱۳۰۰ و به نقل از کارگزاری مازندران بر این امر صحنه می‌گذارد. مطابق آن، تراکمه آنچه در این مدت، برنج و آذوقه، ظاهراً برای مصرف خود خریداری کردند، بدون اینکه یک کیسه به منازل خود ببرند، همه را به روسیه حمل نمودند. وزارت خارجه و در حقیقت کارگزاری مازندران ضمن اعلان خطر احتمال «زحمت و عسرت اهالی مملکت»، علت این امر را قصور گمرک در رعایت میزان صادرات برنج دانسته و برای حل معضل قاچاق پیشنهاد نموده است با تشکیل کمیسیونی، میزان مصرف مازندران و طهران و ولایات را معین و سپس اجازه صادرات برنج مازاد به روسیه شود (مُتماً، شماره راهنما ۱۸ - ۱۲۸۶ - ۱۲ م). در همین راستا به نظر می‌رسد نفوذ تجار در گمرک و احتمالاً استفاده از ابزارهای رایج و مرسوم چون پرداخت رشوه، در کنار عوامل سیاسی - اقتصادی روز و در راس آن، تضعیف فرامین دولت مرکزی در ایالات و

ولایات، به علت شرائط نامطلوب سیاسی در نخستین سالهای سده چهارده شمسی، در این امر موثر بوده است. البته این قاچاق فقط منحصر به نواحی ترکمن‌نشین نبوده، بلکه نقاط ساحلی دیگر شمال ایران را هم دربر می‌گرفت، چنان‌که، گزارش روزنامه ایران مربوط به اواخر تیرماه ۱۳۰۱ بر قاچاق برنج از شهرهای ساحلی دریای خزر علیرغم ممنوعیت صادرات آن به خارج از کشور حکایت دارد. گفته شده است شبها کشتی‌هایی که پنهانی در این سواحل پهلو می‌گیرند، برنج را بار زده با خود می‌برند (روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱، شماره ۱۱۷۸، ص ۲).

۴.۳ مشکلات ترابری

مشکلات ترازیت تجاری شمال ایران و روسیه به طور اعم، و کالای برنج بطور اخص، یکی از دشواری‌های صادرات بوده است. تصویر تلگرافی از فردی به نام اقتدارالدوله (احتمالاً مدیر کمرگ بندر مشهدسر) از مشهدسر (بابلسر) به ریاست وزرا مقارن اواخر فروردین ۱۳۰۱ش بر این امر صحنه می‌گذارد. در این تلگراف به ماجرای اعتصاب کرجی‌های حمل کالا به روسیه و متعاقباً تحصن تجار بارفروش (بابل) و مشهدسر در تلگرافخانه در اعتراض به بر زمین ماندن کالاهای تجاریشان و در نهایت درخواست تعیین تکلیف از وی در این خصوص اشاره دارد (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۲۷۹۱-۰-۰ ن). البته بایستی گفت این معضل، یعنی ضعف در خدمات ترانزیتی و فقدان امکانات حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و مهمتر از همه دریایی در شمال ایران، سود هنگفتی از صادرات برنج ایران را نصیب شرکت‌های تجاری روسی می‌کرد، چنان‌که در گزارش یکی از مقامات نظامی گیلان مقارن اوایل سال ۱۳۰۲ش آمده است که کمپانی‌های شوروی، کالاهای ایرانی را با کمترین قیمت خریداری می‌کنند. فی‌المثل برنج را که قبلاً مجبور به خرید هر پوط آن به بیست قران بودند، فقط ۵ قران خریده و بعد از حمل به روسیه ۲۵ قران بفروش می‌رسانند. همچنین، قند را که در باطوم فقط ۳۰ قران می‌خرند، در ایران به بیش از دو برابر قیمت، یعنی ۶۰ تا ۷۰ قران می‌فروشند. این مساله در حالیکه آنان کالاهای روسی را با هر بهایی که می‌خواهند در ایران به فروش می‌رسانند (مپس، سال ۱۳۰۲، پ ۱۰۸، ص ۱۰۲).

در گزارشات اداره گمرک ایران طی همان مقطع زمانی و حتی یک دهه بعد از آن نیز، بارها به فقدان زیرساخت‌های لازم بمنظور تجارت دریایی و زمینی در شمال ایران اشاره شده است. برای نمونه، یکی از این گزارشات مربوط به سال ۱۳۰۳ش آمده است: «مشهدسر دارای بندر داخلی نیست، بطوری‌که کشتی مجبور است به فاصله ۱۵۰۰ متر دور از ساحل، لنگر انداخته و مال‌التجاره خود را بوسیله قایق‌های کوچک به کرپی گمرک برساند» (اداره کل گمرک، ۱۳۰۴:

چالش‌های صادرات برنج مناطق شمالی ایران ... (امامعلی شعبانی و محمدحسن پورقنبر) ۱۸۵

۳۹؛ همچنین: ر.ک. اداره کل گمرک، ۱۳۱۶: ۵۷۵). توسعه بندر نیازمند داشتن راه ارتباطی زمینی مناسب بود، چنان‌که در گزارش اداره گمرک مشهدسر به حاکم مازندران درست در زمان احداث راه شوسه مشهدسر به تهران در سال ۱۳۰۷ش آمده است:

مادامی که مازندران بندر حسابی ندارد فواید اساسی از درست شدن راه برای پیشرفت تجارت بنظر نمی‌رسد. حتی ممکن است تکمیل راه آهن بندر جز لطمه باهالی مشهدسر برساند. باوجود اینکه راه مازندران بطهران نزدیکتر از راه پهلوی بطهران است، بواسطه نبودن بندر حسابی، تجار و حتی مسافرین جرئت نمی‌کنند از این راه استفاده نمایند (ساکما، گزارش اداره گمرک مشهدسر به حاکم مازندران، ۱۲مهر ۱۳۰۷: ۲۹۳/۳۶۵۷).

همین کمبود امکانات ترازنی تجاری و تجهیزات دریایی ایران، موجب می‌شد تا روسها در برابر ایران در دریای خزر، دست بالا و موقعیت برتر را داشته باشند، چنان‌که در گزارشی مربوط به اواسط سال ۱۳۰۲ش، راجع به دخالت‌های روسها در امور کشتی‌رانی ایران:

اداره دریایی روس، سه ماه لتکای آرازقربان، ترکمن ایرانی، را توقیف کرده بود. علت این اقدام، تغییر مقصد از مشهدسر به انزلی و بردن بار بنزین و کاغذ به جای نفت بود. وقتی کارگزار انزلی از کنسول روس علت این اقدام بی‌جا را سوال کرد. پاسخ شنید که حفظ امنیت بحر خزر با ماست، مقام ایرانی جواب داد که دولت علیه یک چنین حقی به دولت روسیه نداده است (مپس، سال ۱۳۰۲، پ ۱۰۸، ص ۲۵).

علی‌ای‌حال، می‌توان عنوان نمود که موانع طبیعی و مهمتر از آن یخ بستن رودهای روسیه در فصل زمستان، و حتی دزدی دریایی یکی از چالشهای مناسبات تجاری ایران با روسیه در آن مقطع زمانی بود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۳۶، ۲۴۳). علاوه بر این، وضع نامناسب و عقب مانده بنادر ایران در این سالها، موجب کُندی بارگیری و تخلیه بار در سواحل شمالی ایران می‌شد، آنهم در قسمتی از خاک ایران که از نواحی اصلی تولیدات زراعی محسوب می‌گردید (همان: ۲۳۶). غیر از این موارد، فقدان زیرساخت‌های مناسب دیگر چون راه آهن، راه شوسه، بر این شدت اختلال در امر مناسبات تجاری ایران با روسیه در آن مقطع زمانی، منجمله صادرات برنج ایران به همسایه شمالی، می‌افزود (ر.ک. به: همان: ۲۳۸-۲۳۹).

۵.۳ کمبود محصول و افزایش قیمت در بازارهای داخلی

رشد قیمت در بازارهای داخلی و نیز احتمال کمبود محصول برنج، به ویژه در مناطق شمالی، خود یکی از مسائل مهمی بوده است که حول محور صادرات برنج ایران به روسیه در دوره زمانی موردنظر وجود داشته است. چرا که بعضاً صادرات بی رویه برنج از شمال ایران به روسیه، موجب می‌گردد تا مقامات این منطقه، از دولت مرکزی بخواهند صادرات این کالا، محدود و یا حداقل برای مدتی، ممنوع اعلام گردد و همین امر را می‌توان، بعنوان یک چالش در نظر گرفت. برای نمونه، تلگراف حاکم گیلان به ریاست وزرا مقارن اوایل اردیبهشت ۱۳۰۱ش آمده است که قیمت برنج در طول یکماه از ۵ به ۱۲ قران رسید. ضمناً پیش‌بینی نمود احتمال قحط و غلا و نیز نارضایتی سیاسی اهالی نیز وجود دارد. وی سپس در ادامه صادرات این محصول به روسیه را به انحاء مختلف عامل اصلی دانسته و از دولت مرکزی خواسته است تا «حمل برنج به روسیه را قذغن» و نیز بر آن نظارت نماید (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۵۳-۱۵۱۸-۱۲م).

تلگراف‌های متعدد دیگر از شهرهای شمالی به نخست وزیر و یا وزارت داخله، عمدتاً از سوی مقامات رسمی مازندران و گیلان، خود حکایت از نگرانی جدی مردم این منطقه از احتمال قحطی و متعاقباً گرسنگی، بر اثر ادامه سیاست صادرات برنج به روسیه، دارد. در یک از این اعتراضات، برخی از مردم لاهیجان با تجمع و تحصن در مقابل «دریخانه حکومت»، ضمن اعلان اعتراض، با قوای نظامی درگیر شدند. خواسته همگی نیز صدور و سپس نظارت بر منع صادرات برنج به روسیه بود (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۵۲-۱۵۱۸-۱۲م؛ همان، شماره راهنما ۱۴۰-۱۵۱۸-۱۲م). همچنین تلگراف کارگزاری مازندران به وزارت خارجه مقارن اواسط اردیبهشت ۱۳۰۱ش از عمق این نگرانیها پرده بر می‌دارد. وی با بیان این گزارش که تجار داخلی با خرید و انبار انبوه مواد غذایی و صادرات آن به روسیه، موجب افزایش حدوداً دو برابری قیمت‌ها به ویژه جو و برنج-گردیدند. ضمناً در ادامه هشدار می‌دهد که اگر همین روند صادرات ادامه پیدا کند، خطر قحطی آذوقه به خصوص پایتخت یعنی تهران را تهدید خواهد نمود. او در خاتمه از دولت مرکزی می‌خواهد تا صادرات این محصولات را به روسیه محدود نماید (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۲۵-۱۵۱۸-۱۲م).^۱

در نتیجه این اعتراضات بود که، ریاست وقت وزراء به وزارت امور خارجه مقارن آذرماه ۱۳۰۰ش نامه اعتراضی می‌نویسد که بیانگر عدم تشکیل کمیسیون جهت احصاء احتیاجات داخلی و در نتیجه اعلان خطر قحطی احتمالی در ماههای آتی بود. نخست وزیر، علاوه بر این

از وزارت خارجه خواست با اقدام فوری مانع از ادامه رویه نمایندگان تجاری روسیه در ایران شود (مُتَمَّا، شماره راهنما ۲۱-۱۲۸۶-۱۲م).^۹ وزارت خارجه در پاسخ به نامه اعتراضی وزیر و در همان ماه اعلان داشت که نه تنها به تشکیل کمیسیون [ظاهراً ارزاق] در وزارت فوائد عامه و تهیه لایحه جهت طرح در هیئت محترم وزراء اقدام کرده است، بلکه در ملاقات مدیر اداره حریم سیاسی وزارت امور خارجه با نماینده تجارته روسیه، مراتب اعتراض خود را در موضوع خریداری و حمل برنج به روسیه اعلان داشته است. در خاتمه نیز آورده است که

در سنوات سابقه از گیلان و تنکابن و مازندران مقدار پنج میلیون و نیم پوپ برنج که تقریباً معادل سیصد هزار خروار است به روسیه حمل می‌کرده اند و از قرار معلوم امسال برنج آن نقاط هم خیلی خوب بوده است (مُتَمَّا، شماره راهنما ۲۰-۱۲۸۶-۱۲م).

در خاتمه این بحث بایستی گفت منابع تاریخی از وقوع شرائط جوی خاص جوی -لااقل در مردادماه سال ۱۳۰۱ش- و در اوج کشت برنج در مازندران و در نتیجه کاهش تولید گواهی می‌دهند. گرمایی که روایت شده، در مقیاس با نیم قرن گذشته، بی سابقه بوده، بر مازندران این مقطع زمانی، و به ویژه صفحات شرقی، مستولی گردید. ظاهراً به مدت یکماه و نیم، و آنهم در مقطعی که برنج نیاز به آب مبرم داشت، باران نبارید. این مسئله در میزان تولید محصولات زارعی و از جمله برنج تاثیرات بسیار نامطلوبی بر جای گذاشت که در نهایت خود را به عنوان یکی از عوامل منع صادرات برنج به نمایش نهاد (مقصودلو، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۲۵).

۶.۳ سیاستهای مداخله جویانه و انحصاری روسیه شوروی

در این برهه زمانی، یک حکومت نوپا با ماهیت کمونیستی در نتیجه یک انقلاب چپ‌گرایانه، بر خاک روسیه مسلط بود. دولتی که تاکید زیادی بر اقتصاد دولتی داشت و حرکت در مسیر اقتصاد دستوری در یک بازار غیررقابتی را هدف خود قرار داده بود. با این اوصاف، دور از ذهن نبود که بر چالش‌های تجاری ایران و روسیه، منجمله صادرات برنج، در این زمان اضافه شود.

مقامات شوروی، تجارت خارجی خود را به صورت انحصاری در اختیار چند تجارتخانه دولتی قرار دادند و ممنوعیت‌هایی را اعمال کردند که در پی آن، محدودیت‌های شدیدی بر بازرگانان ایرانی اعمال گردید. تجارتخانه‌های روسی، بخش قابل توجهی از واردات، و در راس آن برنج، را در انحصار خود قرار دادند که این امر طبیعتاً البته به ضرر تجار ایرانی بود (ر.ک. به: ترابی فارسانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). همچنین دولت شوروی برای ایجاد توازن واردات و صادرات

کشور خود، دخالت در امور تجارتي را افزایش داد، به طور مثال اجازه ترانزیت کالاهای ایرانی از داخل خاک روسیه را نداد و حتی اموال تجار ایرانی را توقیف کرد (ایران آزاد، سال ۱۳۰۰، ش ۸۹، ص ۴). در نتیجه، تجار ایرانی، امکان صادرات و واردات کالا به این کشور را نداشتند، مگر با مجوزی که برای گرفتن آن نیز می‌بایست رقم قابل ملاحظه‌ای پرداخت می‌کردند، علاوه بر این، به جز دوران بازار مکاره بادکوبه که در زمان محدودی برگزار می‌شد (حدود یکماه و نیم)، مبادله کالا به صورت آزاد، غیرممکن بود (اطلاعات، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۵/ق ۳۰/ دسامبر ۱۹۲۶م). ضمناً امکانات و امتیازات ویژه‌ای چون معافیت در پرداخت ده درصد گمرک روسیه، استفاده مجانی از کشتی و راه آهن برای حمل و نقل اجناس، صدور اجناس روسی که حمل آن برای سایرین ممنوع بود، امتیازات مهم دیگری بود که دولت شوروی به تجارتخانه‌های خود - و در راسشان تجارتخانه‌های «ونشتورک» و «سنترسایوز» - داد که در نهایت و عملاً تجارتخانه‌های شمال ایران را به کل در اختیار دولت مذکور قرار می‌داد (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). لذا بی‌دلیل نیست که آنان کالاهای خود را به هر میزان که تمایل داشتند، می‌فروختند؛ لیکن اجناس ایرانی به ویژه برنج را به قیمت نازل خریداری می‌کردند (همان: ۱۵۳). حتی بعدها شاهدیم که قیمت گذاری بر کالاهای صادراتی ایران توسط مراکز تعیین شده دولت شوروی انجام میشد که غالباً به قیمت نازل و به نفع طرف روسی انجام می‌شد (اطلاعات، ۲۹ شعبان ۱۳۴۶/۲۲ فوریه ۱۹۲۸، ص ۳). ضمن آن که حمل کالا می‌بایست با اجازه کمیساریای ملی تجارت شوروی انجام و ضمناً بر کیفیت کالاها توسط کمیساریای مذکور نظارت می‌شد (همانجا). عبور و مرور کاروانهای تجاری در سرحدات کنترل و برای عبور مکاریها و سرحدنشینان مطالبه ویزا می‌شد (حبل‌المتین، سال ۱۳۰۲ش، ش ۳، ص ۱۰). حتی چند تن از تجار ایرانی به خاطر معامله برات و پولهای خارجی در مسکو و بادکوبه توقیف گردیدند (ترابی فارسانی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

علاوه بر انحصار تجارت، اخذ مبالغ زیاد گمرکی و لزوم صدور جواز برای کالاهای ایرانی، الزام گمرک روسیه به تجار ایرانی مبنی بر خرید کالاهای روسی در ازای صادرات (همان: ۱۳۰) خود اعتراضات مکرر و پیوسته، تحصن در تلگرافخانه تجار عمدتاً شمال ایران] و البته با همراهی و حمایت اتحادیه تجار تهران از یکسو و حتی زارعان و کشاورزان و فلاحان از دیگر سو] و ارسال شکوائیه به مجلس شورای ملی و نیز رئیس الوزراء وقت را در پی داشت (مُتَمَّا: ۱۲۷۸۰-۰-۰؛ همان: ۱۲۶۶۹-۰-۰؛ همان: ۲۴۷۱۲-۰-۰). انحصار در حمل مال التجاره، اولویت در حمل و نقل کالاهای روسی، موجب تنزل قیمت کالاهای ایرانی می‌شد

و برای تجار ایرانی که پیش از این، تجارت آزاد را تجربه کرده بودند، بسیار خسارت‌بار و غیرقابل پذیرش بود. حتی برخی از آنها، دچار ورشکستگی شدند (روزنامه ایران، ۱۳۰۰، ش ۱۱۱۷، ص ۲). جالب اینجاست، در مواقعی که بازرگانان ایرانی تحت فشار اقتصاد بسته و شدیداً دولتی شوروی قرار گرفته و از منفعت اقتصادی موردنظر برخوردار نمی‌شدند، فعالیت خود را در زمینه کمک به افزایش سطح زندگی مردم فرودست جامعه خود و ارتقای کیفیت حیات اجتماعی شهر خود کاهش می‌دادند و حتی بعضاً قطع می‌نمودند، چنان‌که تجار یکی از شهرهای گیلان، وقتی در رقابت نابرابر با یکی از تجارتخانه‌های شوروی دچار زیان اقتصادی شدند، از کمک به دارالمساکین آن شهر اجتناب ورزیدند که در نتیجه آن، این مرکز خیریه به دلیل مشکلات مالی منحل شد (متما: ۱۸۴۸۸-۰-۰ ن). شاید بتوان این نوع اقدام تجار ایرانی را هم، بعنوان یک اهرم فشار بر دولت ایران، بمنظور احقاق حقوق تجاری آنها از شوروی طی آن مقطع زمانی بشمار آورد.

در نهایت، فشار تجار موجب گردید تا دولت ایران مستقیماً و مجدداً وارد میدان شود، چنان‌که تقی زاده را در راس هیئتی به مسکو فرستادند بازرگانان ایرانی، خواهان تجارت آزاد با شوروی، و سرعت بخشیدن به قرارداد تجاری با این کشور بودند، و حتی پیشنهاد کردند که تجارت با شوروی به صورت هشتاد درصد مبادله جنسی و ۲۰ درصد نقدی باشد. (روزنامه ایران، سال ۱۳۰۰، ش ۱۰۸۸، ص ۲؛ بهار، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۵۶؛ مستوفی، ۱۳۸۴؛ ج ۳، صص ۵۵۱-۵۵۲؛ حبل‌المتین، سال ۱۳۰۰، ش ۱۱، صص ۸-۱۲)

۷.۳ تضاد ضرورت‌های عمومی با منافع تجار

به نظر می‌رسد تضاد منافع و در حقیقت تضاد ضرورت‌های عمومی جامعه با منافع طبقه تجار به طور عموم، و در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ شمسی بخصوص، می‌توانست بر چالش‌های صادرات برنج به روسیه بیافزاید. گرچه متأسفانه تاریخنگاری عمومی و متعلق به طبقات پائین اجتماع چندان گویا نبوده و عمدتاً اسناد و مکاتبات برجای مانده متعلق به دستگاه‌های حکومتی متأثر از ساختار قدرت و در راس آن تجار است [تجار با توجه به نقش آفرینی موثر در نهضت نه چندان دور مشروطه و نیز اعمال نفوذ در مجلس شورای ملی، در کنار نفوذ سنتی در بین علمای دینی،^{۱۰} همواره به عنوان یک جریان اثرگذار در تاریخ معاصر ایران ظاهر شده‌اند]، لیکن بسته و گریخته تصویری از شرایط عموم جامعه بعضاً قابل استنباط خواهد بود. در همین راستا به نظر می‌رسد تجار در پی تعقیب منافع خود سعی در وارونه نشان دادن واقعیت‌های روز

و در نتیجه تاثیر بر تصمیمات و دستورات دولت مرکزی به ویژه در امر صادرات-داشته اند.^{۱۱} ضمن آن که می بایست مکاتبات و اقدامات مستقل تجار را نیز در نظر گرفت. نتیجه آن که بیراه نیست اگر گفته شود حکام محلی تحت تاثیر نفوذ سیاسی- مذهبی تجار و نیز در پرتو تطمع قدرت مالی آنان، گرچه در آغاز بر سر دوراهی منافع عمومی و یا منافع طبقه تجار واقع می شدند، لیکن در نهایت به نفع تجار گزارش تنظیم می شد که البته در نهایت، خود موجب نارضایتی های عمومی و بعضا اعتراضات و ناامنی های اجتماعی می گردید.

در موضوع صادرات مواد غذایی و در راس آن برنج، بی تردید تناقضات و سردرگمی هایی در بین حکام نواحی شمالی [و در حقیقت دولت مرکزی] در سالهای مورد اشاره، وجود داشته است که خود گاهی با نگرانیهای سیاسی در هم تنیده می شد. در این میان، گاهی تجار نسبت به مقامات دولتی غیرهمسو با منافعشان دعوی شکایت می کردند، به طور مثال اتحادیه تجار آستارا با ارسال تلگراف به ریاست وقت وزرا در اسفند ۱۳۰۳ش، نسبت به اقدام اداره مالیه آذربایجان در ممانعت از صادرات برنج به روسیه، شکایت و ادعای خسارت کرده است. ضمنا از وی خواسته است تا به اداره مذکور دستور دهد تا مجوز لازم را برای صادرات برنج از سوی اداره مذکور صادر شود. تجار مذکور برای توجیه خواسته خود به خسارات مالی و جانی در نتیجه انقلابات، ضرر و زیان کشاورزان، ذخیره نیازمندیها توسط عموم جامعه و در نتیجه وجود برنج مازاد بر مصرف داخلی، ضرورت ترقی وضعیت زارعین، تنزل برنج در بازارهای داخلی، افزایش قیمت برنج در روسیه اشاره دارند.^{۱۲} در همین راستا به نظر می رسد که این مساله در دیگر شهرهای نواحی دریای خزر عمومیت داشته است (ر.ک. مٹما، شماره راهنما ۴۰-۱۲۷-۱۴م). اگرچه راستی آزمایی از دعاوی تجار و با توجه به ضعفهای تاریخنگاری ایرانی کار دشواری می باشد.

در آن سوی، در حالی که مخالفت دولت با صادرات برنج در برخی از مقاطع زمانی طی دوره موردنظر، عمدتا بخاطر فشار توده های مردم به دولت در راستای پیشگیری از کمبود آذوقه در داخل کشور و عدم قحطی در جامعه بود، در آن سو، تجار، وبازرگانان و سودجویان بازار برنج، از هر طریقی برای مخالفت با این تصمیم دولت بر می خاستند. یکی از این موارد، مربوط به زمستان سال ۱۳۰۰ش است، که تجار برنج با تلگرافهایی، خطاب به ریاست وزراء، خواستار لغو این دستور شدند، ضمن آن که به توقیف مال التجاره شان در بادکوبه و توسط دولت روسیه اشاره نمودند که خود، از واکنش طرف خارجی نسبت به قانون منع صادرات برنج و نیز گروکشی آنها و احتمالا فرصت طلبی تجار ایرانی برای درخواست این مقررات حکایت

دارد (مُتَمَّا، شماره راهنما ۱۲۶۶۹-۰-۰ ن). همچنین در یکی از نامه‌های تجار به دولتمردان مربوط به اسفند ۱۳۰۰ ش، آنان ضمن به میان آوردن موضوعاتی همچون نارضایتی از حیف و میل مال التجاره اهالی در قفقاز و روسیه، تنزل قیمت برنج بواسطه انحصار تجارت آن به کمپانی خاص و عدم آزادی تجارت، و بهانه‌هایی همچون اوضاع نامساعد فرادستان و بازرگانان گیلانی بواسطه نهضت جنگل از جمله تاراج ااثیه منازل و بعلاوه خراب شدن خانه‌ها، احتراق دکاکین و کاروانسراها از یکسو و نیز با یادآوری قول وزیر جنگ مبنی بر جبران ضرر و زیانهای حاصل از انقلابات گیلان از دیگر سو، خواهان لغو دستور منع صادرات برنج گردیدند (مُتَمَّا، شماره راهنما ۸-۴۹۶-۱۴ م). همچنین، بنظر می‌رسد بازرگانان ساکن در شمال کشور، با استفاده از سرمایه اقتصادی خود، و نفوذی که در حوزه‌های انتخابیه نمایندگان مجلس در شهرهای شمالی کشور داشتند، از طریق این نمایندگان، به دولت فشار می‌آوردند تا محدودیت‌های صادرات برنج را لغو نموده، یا حداقل از آن، بکاهند. چنانکه در برخی از جلسات مجلس پنجم، تعدادی از نمایندگان، به طرح این موضوع در صحن مجلس می‌پرداختند، به طور مثال در جلسه شماره ۹۳ در سال ۱۳۰۳ ش، یکی از نمایندگان ضمن تذکر به وزارت مالیه در خصوص منع صادرات برنج به روسیه، به ضرر و زیانهای تجار در متوقف ماندن برنجشان در گمرک اشاره دارد. وی ضمن اشاره به لزوم احترام به تجارت آزاد، خواستار از سرگیری صادرات برنج گردید. او همچنین این گونه اظهار داشت که در سال ۱۳۰۲ تولید برنج سه میلیون و دویست هزار پوند و صادراتش دو میلیون و صد هزار پوند بوده است. در ادامه نیز خاطر نشان نمود که خرید سال ۱۳۰۳ تجار برای صادرات به همین میزان بوده است (مشروح مذاکرات مجلس دوره پنجم، جلسه ۹۳، ۱۹ قوس ۱۳۰۳) و در یکی دیگر از جلسات، یکی از نمایندگان مجلس (قائم مقام الملک) به تلگراف تجار گیلانی اشاره دارد که درخواست نمودند، مجلس به وزارت مالیه تذکر بدهد که چرا مانع از صادرات برنج صدری به روسیه شده است، حال آن که برنج صدری^{۱۳} آذوقه عمومی نیست. ضمن آن که می‌آورد برنج صدری در گیلان خرواری ۱۰ تومان و در روسیه ۳۰ تومان خرید و فروش می‌شود (مشروح مذاکرات مجلس پنجم، جلسه ۱۵۴، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۴؛ همچنین ر.ک. جلسه ۱۰۳، ۱۱ جدی ۱۳۰۳؛ جلسه ۱۰۵، ۱۱ جدی ۱۳۰۳؛ جلسه ۲۲۳، ۸ آذر ۱۳۰۴).

در نفوذ تجار بر بخش سیاسی حکومت - محلی و چه ملی - همین بس که عمدتاً درخواستها و شکوائیه هایشان مورد پذیرش ریاست وزراء قرار می‌گرفت که خود، از سیطره شان به انحاء مختلف، بر ساختار سیاسی قدرت حکایت دارد. به طور نمونه تلگراف یکی از

تجار معتبر گیلان به نام یوسف خان محمودی رشتی به ریاست وزرا مقارن فروردین ۱۳۰۴ش بر این امر صحنه می‌گذارد. وی ضمن شکایت از گمرک خانه انزلی بخاطر ممانعت از حمل برنج به روسیه (حدود ۸ هزار پوط)، مدعی گردیده است که خسارت زیادی بر او وارد شده است. وی در ادامه مدعی شده است که صادرات برنج توسط وی هیچ خللی در امر ارزاق عمومی ایجاد نخواهد کرد. نکته عجیب آن که خواسته او مورد موافقت ریاست وزراء قرار گرفت که خود از نفوذ تجار در راس هرم قدرت و دریافت امضاهای طلایی برای پیشبرد منافعیشان در سریعترین زمان حکایت دارد (مُتَمَّا، شماره راهنما ۴۸-۱۲۷-۱۴م). همچنین نامه یکی از تجار برجسته و متمول گیلان به نام سیدمهدی معینی به ریاست وزرا مقارن اردیبهشت ۱۳۰۴ش به نظر می‌رسد بیشتر از ترفندها و شگردهای این قشر برای فرار از قانون منع صادرات برنج گواهی دارد. وی در نامه خود به ادعای خسارات اموال و تجارتش در ماجرای حمله متجاسرین به صفحات گیلان طی سالهای قبل از آن و نیز خسارت به علت تنزل قیمت ۱۰۰۰ پوط برنج خریداری شده جهت حمل به روسیه و بدنبال حکم ممنوعیت حمل برنج به خارج، اشاره دارد. ضمن مدعیست که صادرات این محصول به طهران نیز به صرفه نبوده است. وی در خاتمه از ریاست وزراء می‌خواهد که «به وزارت جلیه مالیه بفرمایند که جواز عبور مقدار یک هزار پوط برنج صدری برای روسیه به جان نثار مرحمت شود» (مُتَمَّا، شماره راهنما ۴۳-۱۲۷-۱۴م).

یکی دیگر از ترفندهای تجار برنج برای دور زدن دستور منع صادرات به روسیه، اعلان صادرات برنج قدیمی بوده است، به طور مثال، تلگراف تجار برنج بارفروش (بابل) به ریاست وزرا مقارن شهریور ۱۳۰۴ش بر این امر دلالت دارد. آنان ضمن شکایت از اداره گمرک بارفروش در جلوگیری از حمل محموله برنج آنها [به میزان ده هزار کیسه] به بازار مکاره شوروی، مدعی شده اند که برنج مذکور به علت کهنگی اساساً مورد استفاده اهالی نیست و خریدار ندارد^{۱۴} و اگر بیشتر از این متوقف بماند، به کلی فاسد خواهد شد. در پاسخ به این نامه، ریاست وزراء به وزارت مالیه دستور می‌دهد که «برای حمل برنج کهنه به بازار مکاره، از طرف گمرکات سواحل خزر ممانعت نشود» (مُتَمَّا، شماره راهنما ۲۳-۱۲۷-۱۴م) که البته خود از نفوذ تجار در ساختار سیاسی قدرت خبر می‌دهد.

۴. نتیجه گیری

برنج بعنوان یکی از محصولات زراعی برجسته شمال ایران، همواره نقش اثرگذار و نسبتاً بی‌بدیلی در مناسبات تجاری ایران با همسایه شمالی خود یعنی روسیه در دوره قاجار داشته است، چنانکه در غیاب اقتصاد صنعتی و با نظر به عدم پویایی و رونق در حوزه اقتصاد خدماتی، گیلان و بویژه مازندران تقریباً همانند امروز، با اقتصاد زراعی و محصولاتی همانند برنج شناخته شده، و کالای مزبور از اقلام صادراتی عمده و بسیارمهم شمال ایران به روسیه در ایران پیشامدرن محسوب می‌شد، که برای هر دو کشور دارای منفعت بود. با اینحال، در سالهای پایانی حکومت قاجار، و به عبارتی دقیق‌تر، در سالهای نخست قرن ۱۴ش، صادرات برنج ایران به روسیه، با چالش‌هایی جدی روبرو گردید. یکی از این‌ها در دوره موردنظر، ایجاد محدودیت مقطعی و البته متناوب در صادرات برنج به روسیه از سوی حکومت ایران بود، که البته تحت فشار اکثریت توده مردم در مناطق شمالی که در تنگناهای غذایی و کمبود خواروبار قرار داشتند، دولتمردان ایرانی به این خط‌مشی مبادرت ورزیدند. عامل بعدی به بروز قحطی و کمبود پر دامنه محصولات غذایی در خاک روسیه طی سالهای موردبحث بر می‌گردد، مقامات حکومت نوپای شوروی سعی کردند با حجم گسترده خرید برنج از مازندران و گیلان، کمبود مواد غذایی در قلمرو خود را جبران نمایند، اما همین اقدام آنها، به کمبود ارزاق، بویژه برنج در شمال ایران و حساسیت مقامات ایرانی در این زمینه دامن زد. چالش سوم، به مساله قاچاق کالا، منجمله برنج بر می‌گردد، که همین مقوله یعنی ارسال برنج از ایران به شوروی از طریق مبادی غیرقانونی و غیررسمی، موجب می‌شد تا آسیب جدی در زمینه صادرات برنج ایرانی به روسیه وارد گردد، چراکه این روند، نه تنها برنج در بازار داخلی را با کمبود مواجه می‌نمود بلکه منافع گمرکی حاصل از صادرات برنج ایران به همسایه شمالی را هم دچار نقصان می‌کرد. عامل چهارم، به چالش‌هایی بر می‌گردد که در حوزه ترانزیت کالا وجود داشت، فقدان وسایل و تجهیزات مدرن و همچنین عدم زیرساخت‌های داخلی مناسب در زمینه حمل و نقل ریلی، زمینی و مهمتر از همه، راه‌های دریایی، سبب می‌شد تا در حوزه صادرات برنج ایران به روسیه طی دوره موردنظر، بهره‌وری کاملی وجود نداشته باشد و همیشه این روس‌ها بودند که موقعیت برتر و دست بالا را در تجارت برنج با ایران داشتند. چالش بعدی، مربوط به نوع مشی اقتصادی حکومت وقت روسیه می‌باشد، چرا که حکومت کمونیستی شوروی با نظر به اقتصاد دولتی و دستوری خود، امتیازات و تسهیلات انحصاری و ویژه‌ای برای تجارتخانه‌های خود، قائل شد، که همین امر، سبب محدودیت قابل‌توجهی برای تجار ایرانی در زمینه خرید و فروش برنج

گردید. چالش آخر نیز به تعارض منافع جامعه و اکثریت مردم در شمال ایران (که قوت غالب آنان برنج بوده)، با منافع بازرگانان و دلالتان بازار برنج شمال ایران مربوط می‌شود، چرا که، در حالی که از یک طرف، توده مردم از کمبود برنج در برخی مقاطع زمانی رنج برده و از بروز قحطی و گرسنگی هراس داشتند، تجار و سودجویان برنج، بخاطر منفعت طلبی و شخصی-نگری، از هر طریقی برای صادرات برنج به روسیه در راستای بهره‌مندی از سود اقتصادی بیشتر بهره می‌جستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تقدیم به پدران و اجداد کشاورزمان که در طول تاریخ با داسهای نامرئی درو شده و میشوند.
۲. داشتن مرز مشترک به طول ۲۵۰۰ کیلومتر، ظرفیت بالای روسیه برای جذب محصولات کشاورزی و دامی به ویژه شمال ایران، موجب گردید تا روسیه به طور طبیعی، طرف مهم تجاری ایران باشد. این ویژگی در باره استانهای شمالی کشور بیشتر صدق می‌کرد، چرا که این خطه، به سبب نداشتن راههای ارتباطی با نقاط داخلی ایران، کاملاً به بازار روسیه وابسته بود و همواره از راه دریا که حمل و نقل کالا در آن سریع و ارزان بود، با روسیه داد و ستد داشت-ظاهر احمدی، ۷۵. استانهای شمالی برای انتقال فراورده های خود به درون کشور و بازارهای جهانی با مشکلات فراوان رو به رو بودند- همان: ۷۵. لذا بیشتر تولیدات خود را به روسیه می‌فرستاد که خود موجب می‌شد تا این کشور نقش اساسی و بسیار مهم در حیات اقتصادی ایران به عهده بگیرد-همان: ۷۶. حتی بیراه نبود (گرچه ممکن است توأم با اغراق تلقی شود) روسها بر این باور بودند که ایران در واقع فقط از بخشهای شمالی تشکیل شده است و این قسمت کاملاً به روسیه متکی است. همه تولیدات استانهای شمالی که باید صادر شوند، فقط می‌توانند به بازار روسیه فرستاده شوند و اگر ما خرید خود را متوقف کنیم، ایران طی یکماه ورشکست می‌شود(همایون الهی، ۱۳۶۹: ۲۷-۲۸)

۳. واحد اندازه گیری وزن در روسیه و معادل ۱۶ کیلوگرم.

۴. البته برخی از تجار به بهانه انعقاد معامله با طرف روسی قبل از حکم منع حمل برنج به خارج از کشور، با ارسال عریضه هایی خواستار ارسال برنج میشدند که معمولاً منوط به موافقت ریاست وزراء بوده است. اسناد موجود بر موافقت وی با برخی از این درخواستها دلالت دارد. ضمناً گرچه برخی از آنان صدور برنج در ازای واردات کالاهای ضروری و نیز احتمال بیعانه توسط طرف روسی، عدم فروش در بازارهای داخلی و در نتیجه ضرر و زیانهای مالی را چاشنی درخواستشان می‌کردند، لیکن به نظر می‌رسد نوعی ترفند برای صادرات برنج در حجم بالا و در دوران منع صادرات متداول است. ضمن آن که بی تردید در این مقطع سود حاصل از صادرات برنج قابل اعتناء بوده و به

چالش‌های صادرات برنج مناطق شمالی ایران ... (امامعلی شعبانی و محمدحسن پورقنبر) ۱۹۵

دردسره‌های اداری آن می‌ارزیده است - جهت نمونه‌ها و از سال ۱۳۰۰ شمسی ر.ک. به: آرشیو اسناد موسسه تاریخ معاصر شماره راهنما ۱۱-۱۲۸۶-۱۲م؛ همان، شماره راهنما ۲۴۷۱۹-۰-۰ن.

۵. البته دستور منع صادرات برنج گاهی بنا به شرایط و یا محتملا به طور موردی و در دل همین سالهای سخت تامین آذوقه عمومی ملغی گردید. چنانچه نخست وزیر وقت در در اردیبهشت ۱۳۰۴ از وزارت مالیه خواسته است که به علت برداشت خوب محصول برنج در سال زراعی گذشته و نیز نزدیکی برداشت محصول سال زراعی جدی، و از آنجایی که احتمال قحطی ضعیف است، اجازه صدور ۸۵۰ خروار برنج صدری به آقای میرزا احمد تاجر طهرانی و نیز ۵۰۰ خروار برنج صدری متعلق به آقای محمدحسین تاجر اصفهانی به روسیه داده شود - آرشیو اسناد موسسه تاریخ معاصر ایران، شماره راهنما ۲۶-۱۲۷-۱۴م. پاسخ وزارت مالیه به این خواسته نیز مبنی بر عمل آن بوده است - آرشیو اسناد موسسه تاریخ معاصر ایران، شماره راهنما ۲۷-۱۲۷-۱۴م. نکته ظریف در اسامی تجار برنج از تجارت پرسود آن و نقش آفرینی تجار تهرانی و اصفهانی خبر دارد.

۶. ظاهرا در این زمان آزادی صادرات برنج نه چندان مرغوب کرده معمول بوده است - آرشیو اسناد موسسه تاریخ معاصر ایران، شماره راهنما ۴۴-۱۲۷-۱۴م.

۷. گویا برخلاف مردم روسیه که غذای اصلیشان گندم بوده است، در مناطق چون قفقاز و بخشهایی از آسیای مرکزی، برنج غذای اصلی محسوب می‌گردید.

۸. نه تنها جامعه مازندران اوائل سال ۱۳۰۱ش با پیش بینی و متعاقبا نگرانیهای جدی خطر قحطی مواد غذایی و در راس آن برنج رو برو بوده است، اسناد برجای مانده از این گیلان این مقطع بر این دغدغه عمومی صفحات و نواحی شمالی ایران بیش از پیش صحنه می‌گذارد. چنانچه کارگزاری رشت در نامه ایی به وزارت خارجه (اردیبهشت ۱۳۰۱) ضمن درخواست اقدام موثر از سوی دولت مرکزی، این گونه گزارش داد که با تشکیل مجلسی از ملاکین و تجار در دارالحکومه، توافق گردید تا از حمل برنج به خارجه تا مهرماه که برنج جدید تولید می‌شود، جلوگیری شود - آرشیو اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره راهنما، ۱۲۶-۱۵۱۸-۱۲م.

۹. به نظر می‌رسد عدم توانایی در کنترل قاچاق برنج توسط دولت مرکزی و نمایندگان آن در گیلان و مازندران که البته با اعمال نفوذهایی روبرو بوده است، در این مکاتبات اعتراضی و نیز شکوائیه‌ها مشهود است.

۱۰. ضمن وجود تشکیلاتی با عنوان «هیئت اتحادیه تجار» که در سال ۱۲۹۸ش تشکیل گردید [با دهها شعبه داخلی و خارجی] نیز می‌توانست قدرت چانه زنی آنان در سطح ملی و منطقه ای دو چندان سازد (ر.ک. به: ترابی فارسانی، ۱۳۹۲: ۱۱۴، ۱۰۶). اسناد موجود از مداخله تشکیلات مذکور در حل موانع و مشکلاتی است که در تجارت تجار ایرانی با روسیه شوروی - در مذاکره با نهادها و اشخاص داخلی و حتی خارجی - و به نفع تجار حکایت دارد (همان: ۱۱۹-۱۲۱). در همین راستا در

شمال ایران و در ذیل هیئت اتحادیه تجار، نهضت اقتصاد شکل گرفت که خود عمدتاً برای رفع مشکلات تجار شمال ایران و به ویژه در تجارت با روسها بود. فلسفه شکل گیری آن وقوع بحران تجاری با همسایه شمال و حتی تا سالهای نخست حکومت رضاخان بود که خود موجب نوشتن نامه های اعتراضی به ارکان دولت، مجلس و روزنامه ها و تلاش هیئت در راهیابی و اعزام نماینده یا برای مذاکره در مورد مشکلات بود که خود بیانگر انسجام درونی این طبقه و واکنشی در مقابل ضعف سیاست خارجی دولت محسوب می شد (همان: ۱۲۶).

۱۱. گر چه ممکن است این تحلیل نیز مطرح شود که همزمان با صادرات برنج به خارج از کشور، قاعدتاً کشاورزان نیز از درآمدهای حاصله منتفع می شدند؛ لیکن نمی بایست به احتمال قحطی عمومی و در نتیجه آسیب بیشتر بر عموم جامعه، سود غالب و در عین حال نابرابر تجار به علت انبار کردن محصولات کشاورزی و با خرید از کشاورزان در فصل برداشت و در نهایت تضاد طبقاتی تاریخی بین رعیت و تاجر غفلت کرد.

۱۲. توسل و در حقیقت تمسک تجار برنج به بهانه ها و در حقیقت ترفندهای مختلف که برخی از آنان کاملاً دروغین بوده است، خود از استفاده ابزاریشان در فریب افکار عمومی و به ویژه دولتمردان گواهی دارد. سیاستی که عموماً با موفقیت قرین بوده است.

۱۳. در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴، برنج به سه دسته تقسیم گردید: برنج چمپا که معمولاً برای تجارت آزاد بود، برنج رسمی که خوراک عمومی مردم بود و در صورت مازاد بر مصرف داخلی، صادراتش آزاد اعلان گردید و در نهایت برنج صدری که گفته شده است در صورتی ما به ازادی نیمی از صادراتش، آرد وارد کشور شود، صادراتش منعی نخواهد داشت - جلسه ۲۳۳، دوره ۵.

۱۴. البته این ادعای تجار چندان با واقعیت منطبق نمی باشد و برنج کهنه به لحاظ پخت و کیفیت، مزایای بیشتری نسبت به برنج جدید داشته و دارد.

کتاب‌نامه

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۵۲، ص ۷۲.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۰۰، ک ۶۵، پ ۵، ص ۴۰.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۰۰، ک ۶۵، پ ۵، ص ۷.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۰۱، ک ۳۵، پ ۳۱، ص ۲۰.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۰۳، ک ۱۶، پ ۹۷، ص ۳.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۰۳، ک ۱۶، پ ۹۷، ص ۴.
- اداره کل گمرک (۱۳۰۴) احصائیه تجارتی ایران در سال ۱۳۰۳، تهران: مطبعه شوروی.

چالش‌های صادرات برنج مناطق شمالی ایران ... (امامعلی شعبانی و محمدحسن پورقنبر) ۱۹۷

اداره کل گمرک (۱۳۱۶) آمار تجارت ایران با کشورهای خارجی ۱ تیر ۱۳۱۵ تا ۳۱ خرداد ۱۳۱۶، تهران: فردین.

الهی، همایون. (۱۳۶۹). اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
انتنر، ماروین. (۱۳۶۹). روابط بازرگانی روس و ایران، ترجمه: احمد توکلی، تهران: موقوفات دکتر افشار.
بهار، محمد تقی. (۱۳۵۷). تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۲). از مجلس وکلای تجار تا اتاق ایران، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تقی زاده، حسن. (۱۳۷۲). زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده)، ج ۲، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۸۴). گنج شایگان، تهران: سخن.

ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ (۱۹۲۵-۱۹۰۰)، تهران: پازنگ.

روزنامه اطلاعات، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۵ ق/ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶ م.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۰، ش ۱۰۸۸.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۰، ش ۱۰۵۱.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱، ش ۱۱۱۷.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱ ش، شماره ۱۱۷۸.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱ ش، شماره ۱۱۳۸.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۱ ش، شماره ۱۱۷۸.

روزنامه ایران، سال ۱۳۰۴، ش ۱۸۱۴.

روزنامه ایران آزاد، سال ۱۳۰۱ ش، شماره ۷۷.

روزنامه ایران آزاد، سال ۱۳۰۱، ش ۸۹.

روزنامه شفق سرخ، سال ۱۳۰۱، شماره ۴.

روزنامه حبل المتین، ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۴ م، شماره ۳.

روزنامه حبل المتین، ۱۳۴۲ ق/ ۱۹۲۴ م، شماره ۱۱.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره: ۲۹۳/۳۶۵۷.

سیف، احمد. (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن ۱۹، تهران: چشمه.

طاهر احمدی، محمود. (۱۳۸۴). اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه، تهران: سازمان ملی اسناد ایران.

۱۹۸ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستره.

مجله اطاق تجارت، ۱۳۱۲ش، سال چهارم، شماره ۵۲.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، ج ۳، تهران: زوار.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۹۳، ۱۹ قوس ۱۳۰۳.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۰۳، ۱۱ جدی ۱۳۰۳.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۰۵، ۱۱ جدی ۱۳۰۳.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۵۴، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۴.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره پنجم، جلسه ۲۳۳، ۸ آذرماه ۱۳۰۴.

مقصودلو، حسینقلی. (۱۳۶۳). مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینقلی مقصودلو وکیل الدوله، به

کوشش: ایرج افشار، ج ۲.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سال ۱۳۰۳، پوشه ۲۰، ص ۳۱۶.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سال ۱۳۰۳، پوشه ۴، ص ۱۴۷.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سال ۱۳۰۲، پوشه ۱۰۸، ص ۱۰۲.

موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سال ۱۳۰۲، پوشه ۱۰۸، ص ۲۵.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۲۴۷۲۷-۰-۰-ن.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۱۱-۱۲۸۶-۱۲-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۴۳-۱۲۷-۱۴-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۲۰-۱۲۸۶-۱۲-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۱۱-۱۲۸۶-۱۲-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۲۴۷۱۹-۰-۰-ن.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۱۴۵-۴۶۲-۳-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۱۷-۱۲۷-۱۴-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۳۷۰۳۵-۰-۰-ن.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۱۲۶۶۹-۰-۰-ن.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۲۶-۱۲۷-۱۴-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۲۷-۱۲۷-۱۴-م.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، شماره راهنما ۸-۴۹۶-۱۴-م.

چالش‌های صادرات برنج مناطق شمالی ایران ... (امامعلی شعبانی و محمدحسن پورقنبر) ۱۹۹

- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۴۴-۱۲۷-۱۴م.
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۴۴-۱۲۷-۱۴م.
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۵-۵۳۰-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۸-۱۲۸۶-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۲۱-۱۲۸۶-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۲۰-۱۲۸۶-۱۲م.
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۲۷۹۱-۰-۰ن
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۵۳-۱۵۱۸-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۵۲-۱۵۱۸-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۱۲۵-۱۵۱۸-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما، ۱۲۶-۱۵۱۸-۱۲م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۴۰-۱۲۷-۱۴م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۴۸-۱۲۷-۱۴م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۴۳-۱۲۷-۱۴م
- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (مُتَمَّا)، شماره راهنما ۲۳-۱۲۷-۱۴م

IRAN POLITICAL DIARIES, General Editor: R.M.Burrel, volume6:1921-1923,Cambridge
:Archive Editions Ltd, 1997.